

تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های

علوم پزشکی شهر تهران

علیرضا دهقان، غلامرضا غفاری

شکل‌گیری و چگونگی مشارکت دانشجویان در نهادها و تشکلهای دانشجویی تحت‌تأثیر عوامل و متغیرهای گوناگون فردی و اجتماعی است. در این مقاله با هدف تبیین بخشی از عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی-فرهنگی دانشجویان چگونگی تأثیر و ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و اعتماد اجتماعی دانشجویان با مشارکت اجتماعی-فرهنگی آنها مورد بررسی قرار گرفته است. ویژگی‌های شخصیتی در قالب متغیرهای عام‌گرایی، بیگانگی اجتماعی، آینده‌گرایی و موقعیت‌کنترل؛ اعتماد اجتماعی در دو سطح اعتماد بین فردی و اعتماد

در قالب روحیه مشارکتی، میزان مشارکت و فعالیت مشارکتی مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است. به لحاظ ویژگی‌های شخصیتی، غالب بودن جهت‌گیری‌های عام‌گرایانه، آینده‌گرایی، موقعیت‌کنترل و نیز فقدان بیگانگی اجتماعی در فرد موجب آمادگی بیشتر در بروز رفتارهای مشارکتی است. این ویژگی‌ها همراه با متغیر اعتماد اجتماعی زمینه‌ساز میزان مشارکت و چگونگی آن در نهادها و تشکلهای دانشجویی می‌شوند. براساس یافته‌های این مقاله هر چند که بیشتر متغیرهای مورد بررسی با مشارکت اجتماعی-فرهنگی دانشجویان رابطه معناداری را نشان می‌دهند، لیکن در مجموع توان تبیین آنها در واریانس متغیر وابسته تحقیق در سطح بالایی قرار ندارد. به نظر می‌رسد عوامل فرافردی و کلان خارج از مجموعه نهاد دانشگاه باید تأثیر قابل ملاحظه‌ای در میزان مشارکت اجتماعی-فرهنگی دانشجویان داشته باشند. مفاهیم کلیدی: مشارکت اجتماعی-فرهنگی، عام‌گرایی، اعتماد اجتماعی.

مقدمه

مشارکت^۱ را نوعی کنش^۲ هدفمند در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده تعریف نموده‌اند. فرایندی که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که منجر به سهیم شدن آن‌ها در منابع اجتماعی می‌شود، در آن شرکت می‌کنند (غفاری، ۱۳۸۰: ۴۲). نمود عینی چنین مشارکتی نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های غیر دولتی و... هستند. مشارکت در اشکال غایی و ابزاری خود با موانع اجرایی و کارکردی و در سطوح اجتماعی و فرهنگی در قالب پارامترهای فردی و فرافردی با موانع ساختاری و نهادی در مقیاس‌های میانی و کلان مواجه است. این مقاله درصدد شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان در سطوح فردی و میانی می‌باشد. برای پاسخگویی به مسئله فقدان مشارکت مطلوب و مناسب در بین دانشجویان، ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان و اعتماد اجتماعی به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی تأثیرگذار بر فرایند مشارکت دانشجویان در نهادهای مشارکتی دانشگاه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در نتیجه، مسئله تحقیق با پرسش‌های زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. آیا ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان، چون بیگانگی اجتماعی، عام‌گرایی، موقعیت کنترل و آینده‌گرایی، بر روی مشارکت دانشجویان تأثیرگذار هستند؟
۲. آیا میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان در دو قالب اعتماد بین فردی و اعتماد نهادی میزان مشارکت دانشجویان را تغییر می‌دهد؟

ابعاد مفهومی و نظری

مشارکت به‌عنوان واقعیتهای اجتماعی ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد و فرایندی است که با گذشت زمان دگرگون و متکامل شده است. ایده مشارکت در معنای بسیط خود از مباحث مربوط به دموکراسی مایه می‌گیرد که خود دارای سابقه دیرینه‌ای است. در این مباحث مشارکت منبعی از انرژی خلاق و حیاتی برای حفظ و دفاع از جامعه و پویایی آن دانسته شده است. مهم‌تر این‌که متون دینی، تعالیم و سیره بزرگان دین نیز مفاهیم و فرایندهای مشارکتی را در قالب مفاهیمی چون تعاون، شور و مشورت، وحدت و اتفاق نظر مورد عنایت و توجه خود قرار داده‌اند. در دوره جدید با توجه به نقشی که برای عاملیت انسانی^۳ در حوزه‌های مختلف حیات

1. Participation

2. Action

3. Human Agency

اجتماعی قائل می‌شوند مشارکت در اشکال اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی روانی در قالب نهادهای مشارکتی مورد توجه سیاست‌گذاران اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار گرفته است. در این خصوص برخی از مراکز به‌عنوان بسترهایی تلقی شده‌اند که زمینه‌ساز مشارکت در مقیاس‌های گسترده‌تر یعنی در فضای عمومی هستند. مهم‌ترین این بسترها مراکز آموزشی به‌ویژه محیط‌های دانشگاهی است که به لحاظ علمی زمینه مناسبی را برای شناسایی عوامل و زمینه‌هایی که به تقویت مشارکت می‌انجامد فراهم نموده و مورد توجه صاحب‌نظران علوم اجتماعی به‌خصوص در شاخه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی قرار گرفته است. در جامعه ایران اگرچه فعالیت‌های مشارکتی در قالب تشکلهای و نهادهای دانشگاهی دارای سابقه قابل توجه است و نتایج مؤثری در جامعه داشته است، لیکن کمتر مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار گرفته است.

از حیث مفهومی، واژه «مشارکت» به معنای شراکت و همکاری در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمعی، گروهی و سازمانی جهت بحث و تصمیم‌گیری چه به‌صورت فعال و چه به‌صورت غیر فعال است. در مجموع، جوهره اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵).

از منظر جامعه‌شناسی باید بین مشارکت به‌عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به‌عنوان حالت و وضع (امر شرکت کردن) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۷۵). مشارکت عمومی را می‌توان به‌عنوان یک نظام خود وکیلی و به‌عنوان متشکله یک نظام جدید نمایندگی محسوب کرد (دشتی، ۱۳۷۶: ۱۶۴). از منظر نظامندی و کارکردی مشارکت را «سازوکاری برای بقا، توسعه و تعالی نظام اجتماعی دانسته‌اند که توسعه نیافتن ساختارهای لازم برای مشارکت و نهادی کردن آن به انقراض نظام اجتماعی و سقوط سیاسی آن می‌انجامد (مرد وخی، ۱۳۷۳: ۱۷۱).

اوکلی برای تعریف مشارکت به بیان سه تفسیر در خصوص مشارکت می‌پردازد که عبارتند از:

۱. مشارکت به‌عنوان سهم داشتن
 ۲. مشارکت به‌عنوان سازماندهی
 ۳. مشارکت به‌عنوان توانمندسازی (اوکلی و همکاران، ۱۹۹۹: ۸-۹).
- مشارکت را می‌توان حرکت آگاهانه، فعال، آزاد و مسئولیت‌آوری دانست که برای تمثیت

امور جامعه ضروری است (شادی‌طلب، ۱۳۷۲: ۷).

به نظر رحمان مشارکت فعالیت سازمان‌یافته از طرف مردم متحد و منسجم است که اساس آن را متقاعد شدن افراد به کنش جمعی تشکیل می‌دهد (رحمان، ۱۹۹۳: ۱۵۰). بر این مبنا مشارکت‌درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (طوسی، ۱۳۷۰: ۵۴).

مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه، مستقل و غیر دولتی دارد. چنین روابطی در چارچوب سیاست‌های حاکم بر مجامع علمی به زمینه‌سازی برای بسط مشارکت، درگیر ساختن دانشجویان و بروز رفتار مشارکت‌جویانه در فرایندهای اجتماعی و فرهنگی در سطوح و مقیاس‌های مختلف حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی دارد که برآیند و پیامدهای آن هرچند که در درجه نخست به فضای مراکز دانشگاهی محدود می‌گردد، لیکن زمینه‌ساز مشارکت و احساس مسئولیت اجتماعی در مقیاس وسیع‌تر از مجامع دانشگاهی یعنی به مشارکت در امور محله، مکان‌های عمومی، شهر و کل کشور می‌انجامد.

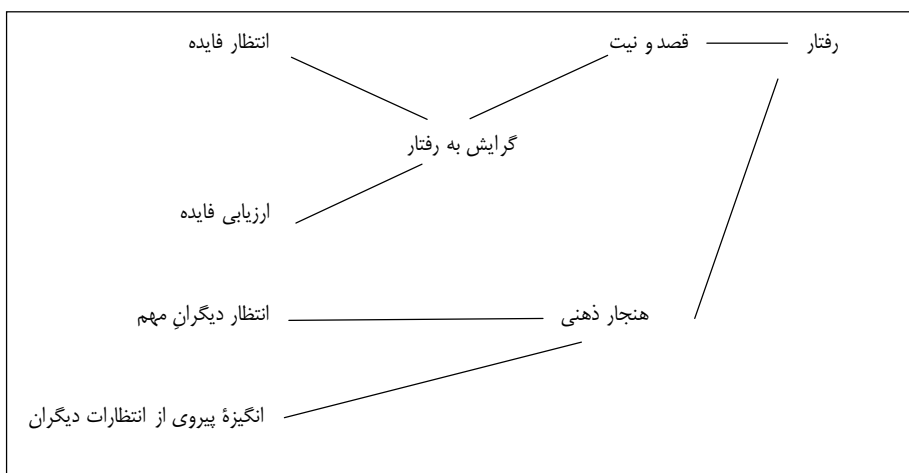
در دوره اخیر، به دلیل اهمیتی که مشارکت در عرصه حیات اجتماعی و مدنی پیدا کرده است بخش قابل ملاحظه‌ای از اندیشه علمای علوم اجتماعی، به‌خصوص در رشته‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، را به خود معطوف داشته است. برآیند این توجه طرح وجود چارچوب‌های نظری متنوع برای تبیین رفتارهای جمعی در اشکال مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد.

یکی از چارچوب‌هایی که برای تبیین رفتار مطرح شده مدل آیزن^۱ و فیشبین^۲ است که می‌توان از آن برای تبیین رفتار مشارکتی نیز استفاده نمود. در قالب این مدل برای تبیین رفتار ابتدا باید به آمادگی و یا گرایش، بروز رفتار و یا انجام دادن عمل توجه نمود، زیرا گرایش و آمادگی برای رفتار مقدم بر خود رفتار و عمل می‌باشد. به نظر آن‌ها رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید. حلقه ماقبل بروز رفتار قصد و نیت برای انجام دادن یک رفتار است. نیت نیز تابع دو متغیر گرایش به رفتار و هنجار ذهنی می‌باشد. گرایش به رفتار یک متغیر فردی و شخصی است و متغیر هنجار ذهنی بیانگر نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای انجام دادن کاری احساس و ادراک می‌کند.

1. Aizen

2. Fishbin

هریک از متغیرهای گرایش به رفتار و هنجار ذهنی نیز تحت تأثیر متغیرهای دیگری هستند. متغیر گرایش به رفتار تحت تأثیر دو متغیر انتظار فایده و ارزیابی فایده است. متغیر هنجار ذهنی تحت تأثیر دو متغیر انتظار دیگران، به خصوص دیگران مهم، و نیز انگیزه پیروی از انتظارات دیگران است. مدل نظری آیزن و فیشبین به قرار زیر می باشد:



منبع: رفیع پور، ۱۳۷۲: ۸-۱۱

رابرت دال^۱ در کتاب معروفش *تجزیه و تحلیل جدید سیاست مشارکت سیاسی* را مورد تحلیل قرار داده است و عوامل تسهیل کننده ورود به مشارکت سیاسی را مطرح نموده و توانسته مدلی را برای تبیین رفتار مشارکتی طراحی نماید. برخی از متغیرهای مطرح شده در مدل آیزن و فیشبین نیز در مدل دال حضور دارند. به نظر دال عوامل زیر بر مشارکت تأثیر مستقیم دارند که در صورت بروز و تحقق آن‌ها مشارکت را در پی خواهند داشت:

۱. فرد برای پاداش‌های حاصل از مشارکت ارزش بالایی قائل باشد.
۲. مکانیزم مشارکت را در نیل به هدف در قیاس با سایر مکانیزم‌ها مؤثرتر بداند.
۳. نسبت به دستیابی به نتایج اطمینان لازم را داشته باشد.
۴. برای مشارکت از دانش و مهارت کافی برخوردار باشد.
۵. در ذهن خود نوعی احساس آمادگی و برخورداری از دانش و اطلاعات و توانایی برای انجام دادن عمل را داشته باشد.

1. Robert Dahl

۶. در ورود به مشارکت و در جریان مشارکت خود را مواجه با مشکلات و موانع زیادی نبیند. (دال، ۱۳۶۴: ۴-۳۵).

مدل دال بیشتر مبتنی بر ابعاد فردی و روانی است که به نوعی بی‌ارتباط با گزاره‌های مربوط به نظریه مبادله^۱ نیست. این مدل در سطح فردی قابل آزمون تجربی است. دیوید سلیز^۲ نیز از منظر روانی-اجتماعی در پی بیان عوامل تأثیرگذار بر مشارکت است. به نظر او اولاً، افراد در متن نیروهای اجتماعی (منزلت، تعلیم و تربیت، مذهب و...) محاط شده‌اند. ثانیاً، تفاوت‌های شخصیتی از نظر توانمندی‌ها و استعدادها موجب می‌شوند که افراد از نظر آمادگی برای پاسخ دادن به محرک‌های اجتماعی متفاوت باشند. ثالثاً، تأثیر پیش‌شرط‌های اجتماعی و روان‌شناختی بر فعالیت اجتماعی افراد تا حدود زیادی بستگی به محیط‌های اجتماعی شامل نهادها و ساختارهای اجتماعی، الگوی باورها، اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی و سیاسی دارد» (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۲).

کلندرمن^۳ نیز در خصوص مشارکت مدل ارزش انتظار را مطرح می‌نماید که در بردارنده دو مؤلفه بسیج آگاهی و بسیج کنش است. بسیج آگاهی فرایندی است که به واسطه آن یک گروه یا اتحادیه اعضایش را نسبت به اهداف معطوف به کنش و کوشش‌های حمایتی که باید برای نیل به این اهداف صورت گیرند آگاه می‌سازد. به نظر او این فرایند برای تحقق کنش کافی نیست، زیرا اعضا فقط به اهداف فکر نمی‌کنند، بلکه هزینه و فواید تحقق اهداف را نیز لحاظ می‌کنند. در نتیجه نیاز به بسیج برای کنش نیز مطرح می‌شود که اتحادیه یا گروه تلاش می‌نماید اعضایش را نسبت به فواید و هزینه‌های مشارکت متقاعد نماید. کلندرمن برای مشارکت در کنش جمعی سه انگیزه را مطرح می‌کند:

۱. انگیزه‌های هدف^۴ ۲. انگیزه‌های اجتماعی^۵ ۳. انگیزه پاداش^۶. انگیزه‌های اجتماعی را در قالب واکنش دیگران مهم^۷ به عمل مشارکت می‌بیند و انگیزه‌های هدف و پاداش را در قالب اعتقاد به مشارکت و توجه به هزینه‌ها و فواید مشارکت در نظر می‌گیرد. اراده و تصمیم افراد به مشارکت در کنش جمعی مجموعه‌ای وزن‌یافته از این سه انگیزه است. وزن‌یافته به این دلیل که این انگیزه‌ها می‌توانند برای افراد متفاوت وزن‌های متفاوتی داشته و مکمل یکدیگر باشند و نیز وزن‌های این انگیزه‌ها برحسب نوع کنش تغییر خواهند کرد (کلی و برین لینگر، ۱۹۹۶: ۳-۳۴).

1. Exchange theory
3. Klenderman
5. Social Motives
7. Significant Others

2. David Slize
4. Goal Motives
6. Reward Motives

کلی^۱ و برین لینگر^۲ از منظر روان‌شناسی اجتماعی مشارکت را نوعی عمل جمعی دانسته‌اند و تبیین‌های مربوط به آن را در دو سطح فردی و فرافردی مورد توجه قرار داده‌اند. آن‌ها با تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی عنوان می‌نمایند که موقعیت کنترل یک انتظار تعمیم‌یافته است که مربوط به اعتقاد افراد مبنی بر مؤثر بودن کنش‌هایشان برای نیل به اهداف مطلوب می‌باشد. آن‌ها معتقدند مشارکت در کنش جمعی باید با توجه به پیوندهای بین ویژگی‌های شخصیتی، موقعیت کنترل، اثرگذاری سیاسی و جهت‌گیری فردگرایانه-جمع‌گرایانه و نیز جایگاه اجتماعی افراد مورد تبیین قرار گیرد (کلی و برین لینگر، ۱۹۹۶: ۱۹-۲۳).

ابعاد نظری مطرح شده در خصوص مشارکت متمرکز بر زمینه‌های عمدتاً روانی مؤثر بر مشارکت می‌باشند. از آن‌جایی که مشارکت به‌عنوان عمل و فرایند اجتماعی چریانی است که برای تبیین آن باید به ابعاد فراتر از زمینه‌های روانی صرف اندیشید، در نتیجه متغیرهای جامعه‌شناختی را نیز باید در کنار ابعاد مطرح شده لحاظ نمود تا مدل نظری طراحی شده از شمول و جامعیت و توان تبیینی بیشتری برخوردار گردد. در منابع جامعه‌شناختی در خصوص عوامل مؤثر بر مشارکت بر متغیرهای میزان تحصیلات، موقعیت اجتماعی-اقتصادی، تجارب شغلی، برخورداری از اطلاعات، اعتماد اجتماعی در سطوح بین فردی و نهادی، مشروعیت و... تأکید شده است.

اینگلهارت^۳ افزایش مشارکت در مغرب زمین را به سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی که تأکید کمتر بر نیازهای آنی داشته و بر حق ابراز نظر تأکید بیشتری می‌ورزند مورد تبیین قرار داده است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۷۸). اینگلهارت علاوه بر عوامل یاد شده رابطه بین اعتماد^۴ و مشارکت را مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر او اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر در مشارکت می‌باشد، زیرا به‌واسطه اعتماد رفتارها قابل پیش‌بینی می‌گردد و در نتیجه حوزه کنش و تصمیم‌گیری تقویت می‌گردد. آن‌چنان‌که آلموند^۵ و وربا^۶ در طرح مبحث فرهنگ مدنی اعتماد را از لوازم فرهنگ دموکراتیک دانسته‌اند.

به نظر گائوتری^۷ مشارکت را نمی‌توان به نحو مؤثر به کار بست، مگر آن‌که علاوه بر وجود اراده سیاسی در دولت، قوانین لازم و نهادها و سازمان‌های اجتماعی متناسب برای ترویج آن و

1. Kelly

2. Bren Linger

3. Ingelhart

4. Trust

5. Almond

6. Verba

7. Gotri

برخی شرایط دیگر که به خود شرکت‌کنندگان ارتباط دارد موجود باشد (گائوتری ۱۹۸۶: ۳۸-۳۹).

هانتینگتون^۱ و نلسون^۲ مشارکت را در قالب فرایند اثرگذاری شهروندان بر تصمیم‌گیری‌های دولت در نظر می‌گیرند (هانتینگتون و نلسون ۱۹۷۶: ۳). به نظر آن‌ها دو پارامتر تحرک اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی زمینه را برای بسط مشارکت اجتماعی فراهم می‌نمایند. این دو پارامتر را اصولاً دانشجویان نسبت به اقشار دیگر بیشتر و به صورت انضمامی‌تر تجربه می‌نمایند.

نلسون و رایت^۳ از منظر قدرت به مشارکت توجه نموده‌اند. به نظر آن‌ها مشارکت در اشکال مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در جایی بروز و ظهور پیدا می‌کند که افراد دارای قدرت باشند؛ آن‌ها قدرت را در قالب مفهوم اختیار داشتن و توانمندسازی مورد توجه قرار می‌دهند. مشارکت نیازمند اختیاری^۴ است و اختیاری هم قدرت را به دنبال دارد. اختیاری با این عقیده مطرح می‌شود که فرد می‌تواند بر دیگران تأثیر بگذارد تا از این رهگذر به آن‌ها قدرت دهد یا این‌که آن‌ها را قادر سازد تا نیروی بالقوه خود را دریابند (مقدس جعفری و باقرزاده ۱۳۸۱: ۱۸۱).

با الهام و بهره‌گیری از رویکردهای نظری مطرح شده در این مقاله متغیرهای اعتماد اجتماعی در سطح اعتماد بین فردی و اعتماد نهادی، ویژگی‌های شخصیتی در قالب متغیرهای عام‌گرایی، بیگانگی اجتماعی، آینده‌گرایی و موقعیت کنترل به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان استفاده شده‌اند.

فرضیه‌ها

فرضیه‌های اصلی این مقاله عبارتند از:

۱. بین ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان و مشارکت آن‌ها در نهادهای مشارکتی رابطه وجود دارد.
۲. بین میزان اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان و مشارکت آن‌ها در نهادهای مشارکتی رابطه وجود دارد.

1. Hantington

2. Nelson

3. Wright

4. Empowerment

تعریف نظری و عملی متغیرها

۱. مشارکت اجتماعی- فرهنگی

متغیر وابسته این مقاله مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان در نهادهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه می‌باشد متغیر مذکور دلالت بر فعالیت‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، علمی، صنفی و تفریحی دارد که به نوعی بیانگر مشارکت مدنی دانشجویان در سطح دانشگاه می‌باشد. این متغیر از طریق سه سنجه: میزان مشارکت، فعالیت مشارکتی و روحیه مشارکتی اندازه‌گیری شده است.

میزان مشارکت از طریق میزان عضویت انجمنی^۱ در معنای عضویت دانشجویان در تشکل‌های دانشجویی اندازه‌گیری شده است.

فعالیت مشارکتی^۲ بر مبنای چگونگی ایفای نقش دانشجویان در تشکل‌هایی که عضو هستند در قالب دو مقوله عضویت عادی و فعال مورد سنجش قرار گرفته است و روحیه مشارکتی^۳ از طریق شش گویه زیر در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است:

۱. تا چه اندازه شما تمایل به مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویی دارید؟
۲. تا چه اندازه عضویت در تشکل‌های دانشجویی برای یک دانشجو را مهم می‌دانید؟
۳. تا چه اندازه تشکل‌های دانشجویی برای دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی عالی کشور ضرورت دارند؟

۴. تا چه اندازه به حرکت‌های خودجوش دانشجویی علاقه دارید؟

۵. فکر می‌کنید مشارکت دانشجویان تا چه اندازه به اداره بهتر دانشگاه کمک می‌کند؟

۶. تا چه اندازه با این عبارت که مشارکت دانشجویان نوعی اختلال در کار و اداره دانشگاه است موافق هستید.

۲. اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی^۴ دلالت بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دارند تعریف شده است (پاکستون، ۱۹۹۹: ۱۰۵). در این جا اعتماد در قالب دو سنجه اعتماد بین فردی^۵ و اعتماد نهادی^۶ مورد سنجش قرار گرفته است.

1. Associational membership

2. Participatory Activity

3. Participatory spiritual

4. Social Trust

5. Interpersonal Trust

6. Institutional Trust

- اعتماد بین فردی به معنای چگونگی اطمینان و اعتماد دانشجویان نسبت به یکدیگر است، که از طریق گویه‌های زیر در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است:
۱. دانشجویان تا چه اندازه نسبت به یکدیگر اعتماد دارند.
 ۲. در محیط‌های دانشجویی تا چه اندازه صداقت و راستگویی وجود دارد.
 ۳. در محیط‌های دانشجویی تا چه اندازه دو رویی و تظاهر وجود دارد.
 ۴. در محیط‌های دانشجویی تا چه اندازه پابندی به قول و قرار وجود دارد.
 ۵. در محیط‌های دانشجویی تا چه اندازه تملق و چاپلوسی وجود دارد.
 ۶. در محیط‌های دانشجویی تا چه اندازه امانت‌داری وجود دارد.
 ۷. در محیط‌های دانشجویی تا چه اندازه تقلب و زرنگ‌بازی وجود دارد.
 ۸. در محیط‌های دانشجویی تا چه اندازه کمک و همیاری وجود دارد.
 ۹. در محیط‌های دانشجویی تا چه اندازه یکدیگر را پاییدن و تحت نظر داشتن وجود دارد.

اعتماد نهادی نیز در قالب طیف لیکرت از طریق گویه‌های زیر مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است:

۱. به چه میزان مسئولان دانشگاه برای پذیرش سؤالات و پیشنهادات جدید آمادگی دارند؟
۲. مسئولان دانشگاه تا چه اندازه قابل اعتماد هستند؟
۳. مسئولان دانشگاه تا چه اندازه از صداقت و تعهد برخوردارند؟
۴. مسئولان دانشگاه تا چه اندازه با دانشجویان روراست هستند؟
۵. دانشجویان تا چه اندازه در محیط دانشگاه احساس امنیت می‌نمایند؟
۶. دانشجویان تا چه اندازه می‌توانند بدون ترس و نگرانی از مسئولان دانشگاه انتقاد نمایند؟

۳. ویژگی‌های شخصیتی

در این پژوهش، ویژگی‌های شخصیتی به معنای مجموعه‌ای از تمایلات است که در فرد وجود دارند و مبنای کنش و عمل او قرار می‌گیرند. در این‌جا ویژگی‌های شخصیتی در قالب ویژگی‌های عام‌گرایی، بیگانگی اجتماعی، آینده‌گرایی و موقعیت کنترل مورد توجه قرار گرفته است.

— عام‌گرایی^۱ نوعی جهت‌گیری^۲ ارزشی مبتنی بر عناصر منطقی کنش است که زمینه را برای بروز و ظهور کنش‌های منطقی مبتنی بر قواعد عام فراهم می‌نماید. برای سنجش این متغیر از دو گویه زیر در قالب طیف لیکرت استفاده شده است:

۱. تا چه اندازه شما تمایل دارید که کار بستگان خود را خارج از نوبت انجام دهید؟
۲. شما تا چه اندازه کارهای خلاف دوستان و نزدیکان خود را نادیده می‌گیرید؟

— بیگانگی اجتماعی^۳ به مبنای نوعی احساس ناتوانی، پوچی، بی‌هنجاری، انزوا و جدایی از جمع می‌باشد. برای اندازه‌گیری میزان بیگانگی از گویه‌های زیر در قالب طیف لیکرت استفاده گردیده است:

۱. گفتن مشکلات و گرفتاری‌های جامعه به مسئولان تا چه اندازه اثربخش است؟
۲. تا چه اندازه با این گفته که این روزها دیگر نمی‌توان به کسی اتکا کرد موافق هستید.
۳. با این وضعی که وجود دارد آینده روشنی را پیش رو نداریم.
۴. خیلی‌ها به این دلیل با ما دوست‌اند که از ما خیرری را درخواست نمایند.
۵. وضعیت مردم عادی روز به روز بدتر می‌شود.

آینده‌گرایی^۴ به معنای نوعی آمادگی در فرد است که به واسطه آن فرد با پذیرش نوعی انضباط و برنامه‌ریزی در عمل حاضر به چشم‌پوشی از منافع و لذت آنی به خاطر کسب منابع آتی است که جهت سنجش آن از گویه‌های زیر در قالب طیف لیکرت استفاده شده است:

۱. برای آینده باید برنامه‌ریزی نمود و نباید به این فکر بود که هر چه پیش آید خوش آید.
۲. راز خوشبختی این است که توقع زیادی از زندگی نداشته باشیم.
۳. برای کسب مقام و مرتبه شغلی و تحصیلی بالاتر لحظه‌ای نباید درنگ کرد.

— موقعیت کنترل^۵ به معنی نوعی انتظار تعمیم‌یافته است که مربوط به اعتقاد افراد بر مؤثر بودن کنش‌هایشان برای نیل و دستیابی به اهداف مطلوب می‌باشد. این متغیر با گویه‌های زیر در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است:

1. Universalism
2. Orientation
3. Social Alienation
4. Futuralism
5. Locus of Control

۱. تا چه اندازه خود را فردی موفق می‌دانید؟
۲. تا چه اندازه بر مسیر زندگی خود تسلط دارید؟
۳. تا چه اندازه فکر می‌کنید می‌توانید با عمل خود بر دیگران تأثیر بگذارید؟
۴. تا چه اندازه احساس خوداتکایی و خوداستقلالی می‌نمایید؟

روش و تکنیک تحقیق

روش تحقیق این مطالعه روش اسنادی و پیمایشی می‌باشد. با استفاده از روش اسنادی ابعاد مفهومی و نظری موضوع مورد بررسی قرار گرفته است و با به‌کارگیری روش پیمایشی چگونگی توزیع و روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق در جامعه مورد مطالعه بررسی شده است. در روش اسنادی از تکنیک فیش‌برداری برای جمع‌آوری اطلاعات اسنادی استفاده شده و در روش پیمایشی از تکنیک مصاحبه‌های حضوری با تکمیل پرسشنامه‌های تحقیق که پس از پیش‌آزمون و انجام دادن اصلاحات لازم در اختیار پرسشگران مجرب و آموزش دیده قرار گرفته است کار جمع‌آوری داده‌ها صورت گرفته است. داده‌ها با نرم‌افزار Spss مورد پردازش قرار گرفته و با استفاده از فنون آماری تعبیه شده در این نرم‌افزار برحسب سطح سنجش هر یک از متغیرها چگونگی توزیع و روابط بین متغیرها مورد بررسی و آزمون قرار گرفته است.

جامعه آماری

دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران که در دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی شهید بهشتی، علوم پزشکی ایران شاغل به تحصیل هستند جامعه آماری این پژوهش را به حجم ۱۵۲۳۵ نفر تشکیل می‌دهند. با توجه به همگرایی‌هایی که در جامعه آماری وجود دارد از کل جامعه آماری با استفاده از فرمول کوکران به شرح زیر برآورد حجم نمونه شده است.

$$n = \frac{t^2 \cdot p \cdot q}{d^2}$$

$$n = \frac{1/962 \cdot 0/5 \cdot 0/5}{0/0382} = 649$$

سپس حجم برآورد شده به صورت متناسب به هر یک از سه دانشگاه علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی شهید بهشتی و علوم پزشکی ایران تخصیص داده شده است که سهم دانشگاه علوم پزشکی تهران ۲۶۸ نفر، علوم پزشکی شهید بهشتی ۱۹۳ نفر و علوم پزشکی ایران ۱۸۸ نفر تعیین شده است. سپس این سهم به صورت متناسب بر مبنای جنسیت، مقطع تحصیلی و دانشکده‌ها توزیع شده است.

تحلیل داده‌ها

۱. میزان مشارکت

میزان مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان در قالب عضویت دانشجوین در تشکل‌های دانشجویی مورد سنجش قرار گرفته است که از مجموع ۶۴۵ پاسخ ارائه شده ۳۶/۵ درصد دانشجویان در هیچ تشکل دانشجویی عضویت ندارند. ۲۳ درصد در یک تشکل، ۱۰/۶ درصد در دو تشکل، ۷/۲ درصد در سه تشکل، ۲/۵ درصد در چهار تشکل، ۰/۹ درصد در پنج تشکل و ۰/۵ درصد در هفت تشکل عضویت داشته‌اند. ۱۸/۸ درصد هم به پرسش عضویت در تشکل‌ها پاسخ نداده‌اند.

۲. فعالیت مشارکتی

فعالیت مشارکتی بر مبنای چگونگی عضویت و ایفای نقش در تشکل‌های دانشجویی در قالب دو مقوله عضویت عادی و فعال مورد پرسش قرار گرفته است. جدول شماره (۱) توزیع نسبی وضعیت فعالیت اعضای هر تشکل را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱. توزیع نسبی وضعیت فعالیت مشارکتی دانشجویان در جامعه مورد مطالعه

عضویت فعال	عضویت عادی	فعالیت
		تشکل
۳۷/۶	۶۲/۳	انجمن اسلامی
۳۱/۴	۶۸/۶	بسیج دانشجویی
۴۳	۵۷	کانون‌های فرهنگی
۴۰/۶	۵۹/۴	هسته‌های علمی
۵۰	۵۰	گروه‌های ادبی و هنری
۴۵/۵	۵۴/۵	جامعه دانشجویی
۴۶/۹	۵۳/۱	تیم‌های ورزشی و تفریحی
۳۰/۴	۶۹/۶	سایر تشکل‌ها

۳. روحیه مشارکتی

روحیه و تمایل به فعالیت‌های مشارکتی با شش گویه در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است. جدول شماره (۲) توزیع فراوانی نسبی پاسخ به هریک از گویه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲. توزیع نسبی پاسخ به گویه‌های طیف روحیه مشارکتی

تعداد کل پاسخگویان	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میزان
						گویه‌ها
۶۴۸	۱۳/۴	۲۴/۸	۳۷/۴	۱۳/۷	۱۰/۶	۱. تمایل به مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویی
۶۴۷	۱۱/۶	۱۹/۳	۳۰/۸	۲۰/۳	۱۸	۲. مهم تلقی کردن عضویت در تشکل‌های دانشجویی
۶۴۹	۲۴/۵	۳۴/۷	۲۳/۱	۱۱/۷	۶	۳. ضرورت وجود تشکل‌های دانشجویی برای دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی
۶۴۷	۱۹/۹	۲۷/۶	۲۸/۸	۱۵/۴	۸/۳	۴. علاقه به حرکت‌های خودجوش دانشجویی
۶۴۸	۳۰/۲	۳۷/۸	۱۹/۱	۸	۴/۹	۵. نقش مشارکت دانشجویان در اداره بهتر دانشگاه
۶۴۵	۲/۹	۶/۶	۱۵/۳	۲۴/۳	۵۰/۹	۶. مشارکت دانشجویی نوعی اختلال در کار مسئولان دانشگاه است

پس از همسو نمودن نمرات گویه‌ها نمره میزان روحیه مشارکتی محاسبه شده است که این نمره در دامنه تغییر ۷ تا ۳۰ قرار داشته که پس از تقسیم دامنه تغییر به سه قسمت مساوی در قالب روحیه مشارکتی کم، متوسط و بالا مشخص گردید که ۱۰/۵ درصد دانشجویان دارای روحیه مشارکتی کم، ۵۱/۳ درصد متوسط و ۳۸/۲ درصد دارای روحیه مشارکتی بالا هستند.

گویه‌های طیف به استثنای گویه ۶ و ۲ که در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارای همبستگی معنادار است، دارای همبستگی درونی در سطح اطمینان ۹۹ درصد هستند و سنجه آزمون آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۹ است که نشان از روایی درونی طیف دارد. تمامی گویه‌های این طیف نسبت به یکدیگر دارای همبستگی معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشند.

۴. اعتماد بین فردی

اعتماد بین فردی در بین دانشجویان به وسیله یک طیف نه گویه‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. توزیع نسبی پاسخ به هریک از گویه‌ها در جدول شماره (۳) آورده شده است.

جدول شماره ۳. توزیع نسبی پاسخ به گویه‌های طیف اعتماد بین فردی

تعداد پاسخگویان	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	گویه‌ها
۶۴۹	۳/۴	۱۶/۲	۴۶/۴	۲۲/۲	۱۱/۹	۱. به یکدیگر اعتماد نمودن
۶۴۸	۱/۲	۱۲/۵	۴۴/۷	۲۵	۱۶/۶	۲. وجود صداقت و راستگویی
۶۴۷	۳/۲	۱۶	۲۸/۸	۳۳/۴	۱۸/۵	۳. دورویی و تظاهر
۶۴۹	۱/۸	۱۶/۸	۵۱/۳	۲۲/۷	۷/۴	۴. پایداری به قول و قرار
۶۴۷	۵/۱	۱۵/۱	۲۱	۳۳/۹	۲۵	۵. تملق و چاپلوسی
۶۴۸	۵/۴	۲۵/۳	۵۱	۱۳/۹	۴/۵	۶. امانت‌داری
۶۴۶	۲/۸	۱۰/۹	۲۳/۶	۳۱/۹	۳۰/۸	۷. تقلب و زرنگ‌بازی
۶۴۷	۴/۶	۲۰	۴۴/۵	۲۳	۷/۹	۸. کمک و همیاری
۶۴۵	۳/۹	۱۳/۱	۲۵/۷	۲۷/۱	۳۰/۲	۹. یکدیگر را پاییدن و تحت نظر داشتن

پس از همسو نمودن گویه‌ها مجموع نمرات گویه‌های طیف محاسبه شده است که در دامنه تغییر ۹ تا ۴۱ قرار داشته است. سپس دامنه تغییر به سه طبقه مساوی تقسیم گردیده است و مشخص گردید که ۲۹ درصد دانشجویان دارای اعتماد بین فردی کم، ۵۷/۹ درصد دارای اعتماد بین فردی متوسط و فقط ۱۳/۱ درصد آن‌ها دارای اعتماد بین فردی زیاد هستند.

گویه‌های طیف از حیث همبستگی درونی براساس سنجه آزمون آلفای کرونباخ که برابر با ۰/۸۳ است دارای روایی درونی قابل قبولی هستند. با محاسبه ماتریس همبستگی گویه‌های طیف مشخص شده که تمامی همبستگی‌ها در سطح اطمینان ۹۹ درصد همبستگی‌های معنادار هستند.

۵. اعتماد نهادی

منظور از اعتماد نهادی اعتماد به مسئولان و مجموعه‌های فرافردی در محیط‌های دانشگاهی است که برای سنجش از آن شش گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. جدول شماره (۴) چگونگی پاسخ به هریک از گویه‌های این طیف را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴. توزیع فراوانی نسبی پاسخ به گویه‌های اعتماد نهادی در جامعه مورد بررسی

تعداد پاسخگویان	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	گویه‌ها
۶۴۶	۰/۵	۳/۴	۲۲/۳	۳۵/۳	۳۸/۵	۱. آمادگی مسئولان دانشگاه برای پذیرش نظرات و پیشنهادات جدید
۶۴۵	۰/۶	۶	۳۴/۷	۳۴/۵	۲۴/۲	۲. قابل اعتماد دانستن مسئولان دانشگاه
۶۴۴	۰/۸	۹/۹	۴۹/۳	۲۲/۵	۱۷/۶	۳. صداقت و تعهد مسئولان دانشگاه در کار خود
۶۴۳	۰/۸	۶	۳۹/۸	۳۲	۲۱/۴	۴. روراست بودن مسئولان دانشگاه با دانشجویان
۶۴۵	۲/۹	۱۴/۵	۳۸/۸	۲۴/۲	۱۹/۶	۵. احساس امنیت در دانشگاه و محیط خوابگاه
۶۴۴	۱/۲	۸/۶	۲۴/۷	۳۰/۲	۳۵/۳	۶. انتقاد از مسئولان دانشگاه بدون ترس و نگرانی

با جمع نمودن نمرات هریک از گویه‌های طیف اعتماد نهادی میزان اعتمادی نهادی در جامعه مورد بررسی محاسبه شده است. این میزان در دامنه تغییر ۶ تا ۲۶ در نوسان بوده است که پس از تقسیم آن به سه طبقه برابر ۴۸/۲ درصد دانشجویان مورد بررسی دارای اعتماد نهادی کم، ۴۶/۸ درصد متوسط و فقط ۵ درصد آن‌ها دارای اعتماد نهادی زیاد بوده‌اند.

با مقایسه اعتماد نهادی با اعتماد بین فردی ملاحظه می‌شود که میزان اعتماد نهادی در سطح بسیار پایینی قرار دارد. یعنی دانشجویان نسبت به یکدیگر از اعتماد بیشتری برخوردارند تا اعتماد به مسئولان و پرسنلی که در دانشگاه فعالیت دارند. گویه‌های طیف اعتماد نهادی به لحاظ روایی درونی، بر مبنای سنجش آزمون آلفای کرونباخ، از روایی درونی قابل قبولی به میزان ۰/۸۴ برخوردار هستند و تمامی گویه‌ها دارای همبستگی معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشند.

۶. آینده‌گرایی

آینده‌گرایی با سه گویه در قالب طیف لیکرت مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است. توزیع نسبی پاسخ به هریک از گویه‌های این طیف در جدول شماره (۵) آورده شده است.

جدول شماره ۵. توزیع فراوانی نسبی پاسخ به گویه‌های انتظارات در جامعه مورد بررسی

تعداد پاسخگویان	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	گویه‌ها
۶۴۶	۴۲/۷	۳۶/۲	۱۴/۹	۵/۲	۱	۱. بر ای آینده باید برنامه‌ریزی نمود نه آن که هر آن چه پیش آید خوش آید.
۶۴۷	۱۴/۸	۲۳/۶	۳۲/۲	۱۷/۶	۱۱/۹	۲. ر از خوشبختی در این است که توقع زیادی از زندگی نداشته باشیم.
۶۴۷	۳۸/۱	۲۷/۹	۱۶/۸	۴/۳	۲/۹	۳. برای کسب مقام و رتبه شغل و تحصیل لحظه‌ای نباید درنگ نمود.

پس از همسو نمودن نمرات گویه‌ها جمع نمرات این گویه محاسبه شده است که این نمره در دامنه تغییر ۴ تا ۱۵ قرار داشته است که پس از تقسیم این نمرات به سه طبقه مساوی ۹/۶ درصد پاسخگویان دارای میزان آینده‌گرایی کم، ۶۳/۶ درصد متوسط و ۲۷/۷ درصد دارای آینده‌گرایی زیاد بوده‌اند. آماره‌های ماتریس همبستگی این طیف نشان می‌دهند که گویه‌ها در سطح اطمینان ۹۹ درصد دارای همبستگی معنادار هستند و سنجه آزمون آلفای کرونباخ آن‌ها در سطح قابل قبول ۰/۷ قرار دارد.

۷. عام‌گرایی

میزان عام‌گرایی به‌عنوان ویژگی شخصیتی که بر جهت‌گیری کنش‌های فرد تأثیر می‌گذارد با استفاده از دو گویه در جدول شماره (۶) اندازه‌گیری شد. در این جدول توزیع پاسخ به هریک از گویه‌های این طیف آورده شده است.

جدول شماره ۶. توزیع فراوانی نسبی پاسخ به گویه‌های عام‌گرایی در جامعه مورد بررسی

تعداد پاسخگویان	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	گویه‌ها
۶۴۸	۴/۲	۱۴/۵	۳۴/۴	۲۷/۴	۱۹/۶	۱. انجام کار بستگان خارج از نوبت
۶۴۷	۲/۳	۹/۱	۲۴/۷	۳۴/۴	۲۹/۶	۲. نادیده گرفتن کارهای خلاف دوستان و نزدیکان

این دو گویه به لحاظ ارتباط و همبستگی درونی برخوردار از همبستگی قابل قبول به میزان ۰/۷ در سطح اطمینان ۹۹ درصد هستند. با جمع نمودن نمرات این گویه‌ها و تقسیم آن‌ها در سه طبقه با فواصل برابر ملاحظه شد که ۴۳/۱ درصد افراد مورد بررسی دارای عام‌گرایی به میزان کم، ۴۷/۶ درصد دارای عام‌گرایی به میزان متوسط و ۹/۳ درصد دارای عام‌گرایی به میزان زیاد هستند.

۸. بیگانگی اجتماعی

بیگانگی اجتماعی در قالب طیف پنج گویه‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. جدول شماره (۷) توزیع نسبی پاسخ به هریک از گویه‌های طیف را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۷. توزیع نسبی پاسخ به گویه‌های طیف بیگانگی اجتماعی

تعداد پاسخگویان	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	گویه‌ها
۶۴۵	۲۴/۳	۲۶	۲۶/۸	۱۴/۵	۸/۴	۱. میزان اثربخشی گفتن مشکلات و گرفتاری‌های جامعه به مسئولان
۶۴۴	۱۹/۱	۲۹	۲۷/۷	۱۸	۶/۲	۲. در این دوره دیگر نمی‌توان به کسی اتکا کرد
۶۴۵	۱۳/۱	۱۹/۳	۲۸/۴	۲۲/۷	۱۶/۶	۳. آینده روشنی را در پیش نداریم
۶۴۳	۱۲/۹	۲۳/۷	۳۰/۵	۲۳/۶	۹/۲	۴. خیلی‌ها به این دلیل با ما دوست‌اند که از ما چیزی می‌خواهند و درخواستی دارند
۶۴۳	۲۱	۲۹	۲۴/۸	۱۶/۳	۸/۹	۵. وضعیت مردم عادی روز به روز بدتر می‌شود

پس از همسو نمودن گویه‌ها با استفاده از نمرات پاسخ به هریک از گویه‌ها، نمره میزان بیگانگی اجتماعی در جامعه مورد بررسی محاسبه شده است که این نمره در دامنه تغییر ۶ تا ۲۵ در نوسان بوده است. پس از طبقه‌بندی این نمره در سه طبقه با فواصل برابر ۱۷/۴ درصد افراد مورد مطالعه دارای بیگانگی اجتماعی کم، ۶۲/۷ درصد متوسط و ۱۹/۹ درصد دارای بیگانگی اجتماعی به میزان زیاد می‌باشند. گویه‌های این طیف دارای روایی درونی در سطح قابل قبولی هستند. سنجه آزمون آلفای کرونباخ به میزان ۰/۷ می‌باشد. کلیه گویه‌ها نسبت به یکدیگر دارای همبستگی‌های معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد هستند.

۹. موقعیت کنترل

موقعیت کنترل با چهار گویه در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است. گویه‌های این طیف در جدول زیر همراه با فراوانی نسبی پاسخ به هریک از گویه‌ها در جامعه مورد بررسی آورده شده است.

جدول شماره ۸. توزیع نسبی پاسخ به گویه‌های موقعیت کنترل در جامعه مورد بررسی

تعداد پاسخگویان	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	گویه‌ها
۶۴۴	۵/۹	۲۹/۶	۵۴/۷	۷/۲	۲/۶	۱. تا چه اندازه خود را فردی موفق می‌دانید
۶۴۳	۸/۲	۳۵/۴	۴۳/۱	۱۰/۶	۲/۶	۲. تا چه اندازه بر مسیر زندگی خود تسلط دارید
۶۴۵	۵/۵	۱۴/۲	۳۶/۴	۳۱	۱۲/۹	۳. تا چه اندازه فکر می‌کنید می‌توانید با عمل خود بر دیگران تأثیر بگذارید
۶۴۳	۱۵/۷	۴۱/۸	۳۳	۶/۹	۲/۶	۴. تا چه اندازه احساس خوداتکایی و خوداستقلال می‌نمایید

با محاسبه نمره موقعیت کنترل پاسخگویان مشخص شده که این نمره در دامنه تغییر ۴ تا ۲۰ قرار دارد که با طبقه‌بندی آن در سه مقوله با فواصل برابر ۴۳/۱ درصد دانشجویان دارای نمره موقعیت کنترل به میزان کم، ۴۷/۶ درصد دارای نمره موقعیت کنترل به میزان متوسط و ۹/۳ درصد دارای نمره بالا هستند. گویه‌های طیف دارای روایی درونی قابل قبولی هستند زیرا سنجه آزمون **آلفای کرونباخ** آن‌ها برابر با ۰/۷۶ است. گویه‌های این طیف نسبت به یکدیگر دارای همبستگی معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد هستند.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه‌های این مقاله به صورت فرضیه‌های ترکیبی پیشنهاد شده‌اند، به این معنا که متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق به صورت متغیرهای ترکیبی که هریک در بردارنده متغیرهای جزئی‌تر و انضمامی‌تری می‌باشند طرح گردیده‌اند.

متغیر وابسته تحقیق که مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان در محیط‌های دانشگاهی می‌باشد در قالب سه متغیر روحیه مشارکتی، میزان مشارکت در نهادهای اجتماعی و فرهنگی و فعالیت‌های مشارکتی مورد سنجش قرار گرفته است که هر سه متغیر با یکدیگر رابطه معناداری

در سطح اطمینان ۹۹ درصد دارند. هرچند که در خصوص رابطه آن‌ها با متغیرهای مستقل تحقیق شاهد تغییراتی هستیم. علاوه بر این، با توجه به چارچوب نظری تحقیق متغیر روحیه مشارکتی که دلالت بر آمادگی روانی-اجتماعی فرد برای عمل و کنش مشارکت دارد نسبت به دو متغیر میزان و فعالیت مشارکتی حالت مقدم و پیش زمینه‌ای را دارد. تمامی همبستگی‌های محاسبه شده به استثنای همبستگی بین آینده‌گرایی با میزان مشارکت و آینده‌گرایی با فعالیت مشارکتی همبستگی‌های معناداری در سطح اطمینان بالاتر از ۹۵ درصد می‌باشند.

فرضیه اول

ابطه وجود دارد.

ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان در قالب ویژگی‌های روانی-اجتماعی دانشجویان در قالب چهار متغیر عام‌گرایی، بیگانگی اجتماعی، آینده‌گرایی و موقعیت کنترل که معرف‌های مربوط به آن‌ها در قسمت قبل توضیح داده شده‌اند مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است. با توجه به سطح سنجش متغیرهای مورد بررسی برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون همبستگی استفاده شده است. نتایج آماری حاصل شده از آزمون رابطه بین این متغیرها با متغیرهای وابسته تحقیق با توجه به همبستگی‌های محاسبه شده در جدول شماره (۹) به صورت زیر می‌باشد.

جدول شماره ۹. همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیرها	روحیه مشارکتی	میزان مشارکت	فعالیت مشارکتی
عام‌گرایی تعداد	۰/۳**	۰/۲**	۰/۱۲**
بیگانگی اجتماعی تعداد	-۰/۱۲**	-۰/۱۹**	-۰/۱۷**
آینده‌گرایی تعداد	۰/۱۵**	۰/۰۷	۰/۰۲
موقعیت کنترل تعداد	۰/۲**	۰/۵**	۰/۱*
اعتماد بین شخصی تعداد	۰/۳۵**	۰/۲**	۰/۱۲**
اعتماد نهادی تعداد	۰/۲**	-۰/۱۳**	-۰/۲**

** معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد * معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد

الف. عام‌گرایی و مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان

۱. همبستگی محاسبه شده بین عام‌گرایی و روحیه مشارکتی $0/3$ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد همبستگی معناداری می‌باشد. در نتیجه این فرضیه که بین عام‌گرایی و روحیه مشارکتی رابطه وجود دارد مورد تأیید قرار گرفته است. با توجه به مثبت بودن همبستگی با افزایش میزان عام‌گرایی روحیه مشارکتی نیز در فرد ارتقا پیدا می‌کند و فرد آمادگی بیشتری را برای مشارکت در جمع‌های عمومی‌تر و گسترده‌تر پیدا می‌کند.

۲. همبستگی محاسبه شده بین عام‌گرایی و میزان مشارکت (تعداد تشکل‌هایی که فرد در آن مشارکت دارد) برابر با $0/2$ است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد همبستگی معناداری می‌باشد، در نتیجه این فرضیه که بین عام‌گرایی و روحیه مشارکتی رابطه وجود دارد نیز مورد تأیید قرار گرفته است. مثبت بودن همبستگی بر این نکته دلالت دارد که با افزایش عام‌گرایی بر میزان مشارکت فرد نیز افزوده می‌شود.

۳. همبستگی محاسبه شده بین نمره عام‌گرایی و نمره فعالیت مشارکتی (عضویت عادی و فعال در تشکل‌ها) برابر با $0/12$ است که این همبستگی نیز در سطح اطمینان ۹۹ درصد همبستگی معناداری می‌باشد. در نتیجه رابطه بین عام‌گرایی و میزان فعالیت مشارکتی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در این‌جا نیز با توجه به مثبت بودن همبستگی حاصل شده با افزایش عام‌گرایی بر میزان فعالیت مشارکتی افزوده می‌شود.

با توجه به موارد مطرح شده می‌توان عنوان نمود که عام‌گرایی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی که بر جهت‌گیری کنش‌کنشگران اجتماعی تأثیرگذار است بر ابعاد سه‌گانه فرایند مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان تأثیر مثبت دارد. نقطه مقابل عام‌گرایی خاص‌گرایی است. که در آن فرد ملاک‌های جهت‌گیری کنش خود را زمینه‌های خانوادگی، طایفه‌ای، محلی و صرفاً گروهی و حزبی خود قرار می‌دهد و حاضر به فعالیت‌های فراتر از منافع خانوادگی، طایفه‌ای و... در مقیاس‌های جمعی نمی‌باشد.

ب. بیگانگی اجتماعی و مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان

۱. همبستگی محاسبه شده بین میزان بیگانگی اجتماعی دانشجویان و میزان روحیه مشارکتی آن‌ها برابر با $0/12$ است که همبستگی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. در نتیجه رابطه معناداری بین بیگانگی اجتماعی و روحیه مشارکتی وجود دارد که با توجه به منفی بودن همبستگی حاصل شده رابطه معکوس بین این دو متغیر وجود دارد. یعنی با افزایش میزان بیگانگی اجتماعی روحیه مشارکتی تقلیل می‌یابد.

۲. همبستگی محاسبه شده بین میزان بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت دانشجویان برابر با ۰/۱۹- است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد همبستگی معناداری می‌باشد و نشان می‌دهد با افزایش بیگانگی اجتماعی از میزان مشارکت دانشجویان کاسته می‌شود.

۳. همبستگی بین میزان بیگانگی اجتماعی و فعالیت مشارکتی برابر با ۰/۱۷- است که باز در سطح اطمینان ۹۹ درصد معناداری می‌باشد. با توجه به منفی بودن همبستگی با افزایش میزان بیگانگی اجتماعی و میزان فعالیت مشارکتی کاهش پیدا می‌کند.

در مجموع رابطه بین بیگانگی اجتماعی و مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان در ابعاد سه‌گانه آن رابطه‌ای معنادار و معکوس می‌باشد. با افزایش بیگانگی اجتماعی از میزان بالندگی، نشاط و فعالیت‌های جمعی دانشجویی کاسته می‌شود. علاوه بر این بین عام‌گرایی و میزان بیگانگی اجتماعی نیز همبستگی معناداری به صورت معکوس وجود دارد.

ج. بین آینده‌گرایی در میان دانشجویان و مشارکت آن‌ها رابطه وجود دارد.

۱. همبستگی محاسبه شده بین آینده‌گرایی و روحیه مشارکتی برابر با ۰/۱۵ است که همبستگی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشد.

۲. همبستگی محاسبه شده بین آینده‌گرایی و میزان مشارکت برابر با ۰/۰۷ است که در سطح معناداری قرار ندارد.

۳. همبستگی محاسبه شده بین آینده‌گرایی و فعالیت مشارکتی برابر با ۰/۰۲ است که در سطح اطمینان معناداری قرار ندارد.

در نتیجه رابطه بین آینده‌گرایی و روحیه مشارکتی مورد تأیید قرار گرفته است و فرضیه تحقیق را تأیید شده نشان می‌دهد. ولی رابطه بین آینده‌گرایی با میزان و فعالیت مشارکتی رابطه معناداری نمی‌باشد و در نتیجه فرضیه تحقیق رد می‌شود.

د. بین موقعیت کنترل دانشجویان و مشارکت آن‌ها رابطه وجود دارد.

۱. همبستگی محاسبه شده بین موقعیت کنترل و روحیه مشارکتی برابر با ۰/۲ است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد همبستگی معناداری می‌باشد و فرضیه تحقیق در این بخش تأیید می‌گردد.

۲. همبستگی محاسبه شده بین موقعیت کنترل و میزان مشارکت برابر با ۰/۵ است که در سطح معناداری قرار دارد. در نتیجه فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

۳. همبستگی محاسبه شده بین موقعیت کنترل و فعالیت مشارکتی برابر با ۰/۱ است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. در نتیجه فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد.

فرضیه دوم

بین میزان اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان و مشارکت اجتماعی- فرهنگی آنها رابطه وجود دارد. اعتماد اجتماعی در قالب دو متغیر اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج آماری حاصل شده از آزمون رابطه بین این دو متغیر با متغیرهای وابسته تحقیق به صورت زیر می باشد.

الف. اعتماد بین شخصی و مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان

۱. همبستگی محاسبه شده بین اعتماد بین شخصی و روحیه مشارکتی ۰/۳۵ است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد همبستگی معناداری می باشد. یعنی فرضیه تحقیق مورد تأیید واقع شده و رابطه ای مستقیم بین دو متغیر یاد شده وجود دارد.
۲. همبستگی محاسبه شده بین اعتماد بین شخصی و میزان مشارکت برابر با ۰/۲ است که باز در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می باشد که دلالت بر تأیید فرضیه تحقیق دارد.
۳. بین اعتماد بین شخصی و فعالیت مشارکتی همبستگی به میزان ۰/۱۲ وجود دارد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می باشد. پس فرضیه تحقیق تأیید می گردد. در نتیجه بین اعتماد بین شخصی و ابعاد مختلف فعالیت مشارکتی رابطه ای معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد که دلالت بر این نکته دارد که با افزایش اعتماد بین شخصی در بین دانشجویان روحیه فعالیت و میزان مشارکتی دانشجویان ارتقا می یابد.

ب. اعتماد نهادی و مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان

۱. همبستگی بین اعتماد نهادی و روحیه مشارکتی برابر با ۰/۲ است که همبستگی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد می باشد. در نتیجه فرضیه تحقیق تأیید می گردد و با افزایش اعتماد نهادی میزان روحیه مشارکتی افزایش یافته است.
۲. همبستگی بین اعتماد نهادی و میزان مشارکت دانشجویان در تشکلهای اجتماعی- فرهنگی همبستگی معناداری به میزان ۰/۱۳- در سطح اطمینان ۰/۹۹ می باشد لیکن با جهت معکوس. یعنی به نظر می رسد کسانی که در تشکلهای دانشجویی عضویت دارند اعتماد نهادی کمتری دارند.
۳. بین اعتماد نهادی و فعالیت مشارکتی همبستگی به میزان ۰/۲- است که باز همبستگی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد می باشد، ولی جهت رابطه معکوس می باشد. یعنی در بین کسانی که فعالیت مشارکتی بیشتری دارند اعتماد نهادی کمتری وجود دارد.

ملاحظه می‌شود که در مجموع بین اعتماد اجتماعی و مشارکت رابطه معناداری هرچند با میزان و جهت تأثیرگذاری مختلف وجود دارد. همبستگی بین اعتماد نهادی با میزان مشارکت که در قالب عضویت انجمنی مورد سنجش قرار گرفته است و فعالیت مشارکتی برخلاف فرضیه اولیه تحقیق جهت معکوس را نشان می‌دهد. از آنجایی که اعتماد نهادی در قالب داوری در مورد فعالیت و انجام دادن مأموریت‌ها و وظایف اداری و مدیریتی و در نهایت کارایی بخش‌های مختلف نظام دانشگاهی مورد سنجش قرار گرفته است. کسانی که عضویت انجمنی و فعالیت مشارکتی بیشتری دارند اولاً، تماس بیشتر و به تبع آن مطالبات بیشتری را از مسئولان دانشگاهی دارند که در عمل با توجه به محدودیت‌های مختلف ساختاری، قانونی و مالی پاسخ‌دهی به این مطالبات در عمل میسر نمی‌باشد. ثانیاً، بخشی از عضویت انجمنی و فعالیت مشارکتی به‌عنوان نوعی خرده‌نظام در جهت نقد نظام بزرگ‌تر که خرده‌نظام محاط در آن می‌باشد عمل می‌نماید. به‌خصوص در فعالیت‌های مشارکتی که تلاش می‌شود فرایند سهام شدن در قدرت تقویت شود. براینچنین وضعیتی موجب داوری معکوس در مورد نظام می‌شود. آن‌چنان که اگر در مقیاسی فراتر از نظام دانشگاهی نیز این رابطه را در نظر بگیریم، یعنی میزان اعتماد کسانی که در احزاب و انجمن‌های سیاسی فعالیت می‌نمایند نسبت به عملکرد حکومت در قیاس با کسانی که در احزاب و انجمن‌های سیاسی فعالیت نمی‌کنند، به نظر می‌رسد این رابطه به لحاظ میزان وضعیت باید متفاوت باشد.

تبیین روابط چندگانه

برای تبیین روابط چندگانه بین متغیرها و نیز آزمون مدل نظری تحقیق با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده و مقیاس اندازه‌گیری این داده‌ها از مدل تحلیلی رگرسیون چندگانه استفاده شده است. از آنجایی که متغیر وابسته تحقیق در قالب سه متغیر میزان مشارکت، روحیه مشارکتی و فعالیت مشارکتی مورد سنجش قرار گرفته است. در نتیجه به بررسی نتایج حاصل شده از سه معادله رگرسیونی تنظیم شده می‌پردازیم.

۱. روابط چندگانه متغیرهای مستقل با متغیر میزان مشارکت

در قالب جدول زیر نتایج معادله رگرسیونی که متغیر میزان مشارکت متغیر وابسته آن و متغیرهای آینده‌گرایی، اعتماد نهادی، اعتماد بین فردی، موقعیت کنترل و بیگانگی اجتماعی می‌باشند ارائه شده است.

جدول شماره ۱۰. نتایج معادله رگرسیون

ضریب همبستگی چندگانه = ۰/۳۲ ضریب تعیین = ۰/۱۰۴		مقدار F = ۱۰/۰۲ سطح معناداری = ۰/۰۰۰ مقدار ثابت = ۱/۷۸۴	
سطح معناداری	مقدار	ضریب استاندارد شده (بتا)	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۲	۳/۰۷۱	۰/۱۴۳	اعتماد بین فردی
۰/۱۰۷	-۱/۶۱۶	-۰/۰۷۱	آینده‌گرایی
۰/۰۰۱	-۳/۳۳۱	-۰/۱۵۴	بیگانگی اجتماعی
۰/۰۱۱	۲/۵۴۳	۰/۱۱۴	عام‌گرایی
۰/۵۸۶	۰/۵۴۶	-۰/۰۲۴	موقعیت کنترل
۰/۰۰۰	-۴/۹۲۲	-۰/۲۱۹	اعتماد نهادی

نتایج معادله رگرسیونی با توجه به میزان F و سطح معناداری آن نشان می‌دهد که معادله رگرسیون معادله معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشد. متغیرهای مستقل وارد شده در مدل به غیر از دو متغیر آینده‌گرایی و موقعیت کنترل رابطه معناداری را در سطح اطمینان ۹۵ درصد را نشان می‌دهند. میزان همبستگی چندگانه (R) متغیرهای مستقل با متغیر وابسته تحقیق که میزان مشارکت است برابر با ۰/۳۲ است و ضریب تعیین (R²) برابر با ۰/۱۰۴ است یعنی ۱۰ درصد از واریانس متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل وارد شده در مدل تبیین می‌شود. از میان متغیرهایی که رابطه معنادار با متغیر وابسته دارند بیشترین تأثیر مربوط به متغیر اعتماد نهادی هر چند در جهت معکوس می‌باشد و کمترین تأثیر مربوط به متغیر عام‌گرایی است.

۲. روابط چندگانه متغیرهای مستقل با متغیر روحیه مشارکتی

در جدول زیر نتایج معادله رگرسیونی که متغیر روحیه مشارکتی متغیر وابسته و متغیرهای اعتماد بین فردی، اعتماد نهادی، آینده‌گرایی، بیگانگی اجتماعی، عام‌گرایی و موقعیت کنترل متغیرهای مستقل آن هستند در زیر آورده شده است.

جدول شماره ۱۱. نتایج معادله رگرسیون

ضریب همبستگی چندگانه = ۰/۴۵ ضریب تعیین = ۰/۲		مقدار F = ۲۶/۸ سطح معناداری = ۰/۰۰۰ مقدار ثابت = ۱/۸۹	
سطح معناداری	مقدار T استیودنت	ضریب استاندارد شده (بتا)	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰	۷/۱	۰/۲۸	اعتماد بین فردی
۰/۰۱	۳/۵	۰/۱	اعتماد نهادی
۰/۰۲۵	۲/۲	۰/۸	آینده‌گرایی
۰/۲۴۴	۱/۱۷	۰/۰۴	بیگانگی اجتماعی
۰/۰۰۰	۴/۹۴	۰/۱۹	عام‌گرایی
۰/۰۰۰	۳/۵	۰/۱۳	موقعیت کنترل

نتایج معادله رگرسیونی فوق نشان می‌دهد که با توجه به مقدار F و سطح معناداری آن باید معادله را در سطح اطمینان ۹۹ درصد معادله‌ای معناداری ارزیابی نماییم و متغیرهای مستقل اعتماد بین فردی، اعتماد نهادی، عام‌گرایی و موقعیت کنترل رابطه معناداری را با متغیر وابسته نشان می‌دهند. این متغیرها دارای ضریب همبستگی چندگانه به میزان ۰/۴۵ با متغیر وابسته هستند و ۲۰ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند. با توجه به ضرایب بتای حاصل شده متغیر اعتماد بین فردی بیشترین تأثیر و متغیر آینده‌گرایی کمترین تأثیر را بر روی متغیر وابسته تحقیق دارد.

۳. روابط چندگانه متغیرهای مستقل با متغیر فعالیت مشارکتی

جدول زیر نتایج معادله رگرسیونی را که متغیر وابسته آن فعالیت مشارکتی می‌باشد و متغیرهای مستقل آن اعتماد بین فردی، اعتماد نهادی، آینده‌گرایی، بیگانگی اجتماعی، عام‌گرایی و موقعیت کنترل می‌باشند نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۲. نتایج معادله رگرسیون

ضریب همبستگی چندگانه = ۰/۲ ضریب تعیین = ۰/۰۴		مقدار F = ۴/۹ سطح معناداری = ۰/۰۰۰ مقدار ثابت = ۲/۴	
سطح معناداری	مقدار	ضریب استاندارد شده (بتا)	متغیرهای مستقل
۰/۰۵	۱/۸۶	۰/۰۸	اعتماد بین فردی
۰/۸۳۶	-۰/۲۰۴	-۰/۰۰۸	آینده‌گرایی
۰/۰۰۱	-۳/۴۱۷	-۰/۱۴۵	بیگانگی اجتماعی
۰/۹۲۸	۰/۰۹	۰/۰۰۴	عام‌گرایی
۰/۴۸۷	۰/۶۹۶	۰/۰۳	موقعیت کنترل
۰/۰۰۰	-۴/۲۵۶	-۰/۱۸	اعتماد نهادی

نتایج ارائه شده در جدول بالا نشان می‌دهند که متغیرها اعتماد بین فردی، بیگانگی اجتماعی و اعتماد نهادی فقط با متغیر فعالیت مشارکتی رابطه معناداری را نشان می‌دهند. این سه متغیر با متغیر وابسته تحقیق دارای همبستگی چندگانه به میزان ۰/۲ هستند که با توجه به ضریب تعیین فقط ۴ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند.

نتیجه‌گیری

با این‌که تشکل‌های دانشجویی متنوعی در سطح دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران فعالیت دارند مشارکت در این تشکل‌ها به صورت عضویت ضعیف است البته ضعف مشارکت تنها به صورت عضویت یا عدم عضویت نمایان نمی‌شود بلکه به صورت شدت و میزان فعالیت در مورد کسانی که در یک تشکل خاص عضویت دارند نیز دیده می‌شود. اگر عضویت در یک تشکل دانشجویی را به دو صورت عضویت عادی و عضویت فعال تقسیم کنیم آن‌گاه در مورد ضعف یا قوت مشارکت قضاوت دقیق‌تری می‌توانیم به عمل آوریم. از کل کسانی که اظهار داشته‌اند در یکی از تشکل‌های گفته شده عضویت دارند غالباً عضویت خود را عضویت عادی ذکر کرده‌اند. در بعضی موارد مثل انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی بیش از ۶۰ درصد عضویت‌ها از نوع عادی ذکر شده است. از آن‌جا که عضویت فعال به معنی حضور بیشتر در این تشکل‌ها و انجام دادن فعالیت‌هایی مثل روزنامه‌نویسی، تهیه و توزیع و انتشار نشریه دانشجویی تشکل، کتاب‌فروشی، ترتیب دادن سفرها و گردش‌های، مشارکت در دفتر امانت نوارهای سخنرانی، موسیقی، فیلم و نقد کتاب و نظایر این‌هاست. مشاهده می‌شود که غلبه عضویت عادی بر

عضویت فعال ضعف مشارکت را که قبلاً به صورت میزان عضویت و عدم عضویت نشان داده شد بیشتر و دقیق‌تر نشان می‌دهد.

اگر بخواهیم ضعف مشارکت در تشکل‌های دانشجویی را تبیین کنیم باید براساس مدل نظری گفته شده در این تحقیق به متغیرهای مدل در دو سطح فردی و روان‌شناسی اجتماعی رجوع کنیم.

براساس نمره‌دهی به طیف گویه‌ها افراد مورد بررسی در نمونه به سه گروه دارای روحیه مشارکتی کم، دارای روحیه مشارکتی متوسط و دارای روحیه مشارکتی زیاد تقسیم شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که بیشتر از ۵۰ درصد افراد از نظر روحیه مشارکتی در سطح متوسط و ۳۸ درصد در سطح روحیه مشارکتی زیاد قرار دارند.

براساس اطلاعات نظری می‌توان گفت کسانی که روحیه مشارکتی مطلوبی دارند و آمادگی روحی برای مشارکت در خود احساس می‌کنند افرادی هستند که جهت‌گیری‌های عام‌گرایانه دارند و احساس بیگانگی اجتماعی ندارند یا این احساس در آن‌ها ضعیف است. این دو ویژگی برای شرکت در فعالیت‌های گروهی و به صورت سازمان‌یافته بسیار مهم است زیرا فعالیت در قالب تشکل‌ها و گروه‌های سازمان‌یافته مستلزم این است که افراد از سطح روابط دوستی، خویشاوندی و غیر رسمی جدا شده و به سطح روابط غیر شخصی و رسمی که ممیزه گروه‌های ثانویه از گروه‌های اولیه است برسند.

در عین حال و حتی در گروه‌های رسمی و سازمان‌یافته احساس تعلق اجتماعی و همسویی با سازمان و یگانگی اجتماعی ضرورت دارد. روحیه خاص‌گرایی و احساس بیگانگی اجتماعی با عضویت و فعالیت در تشکل‌ها و گروه‌های سازمان‌یافته مغایرت دارد و به فرض این‌که کسانی با وجود داشتن این نوع روحیه و احساس به صورت صوری در تشکل وارد شوند به صورت اعضای منفعل نمایان خواهند شد. اطلاعات حاصل شده در مورد سنجش این ویژگی‌ها نشان‌دهنده وضعیتی مبهم و غیر شفاف است. به عبارت دیگر، اگر افراد را براساس نمره‌ای که به گویه‌های مورد نظر برای سنجش ویژگی‌های عام‌گرایانه و احساس بیگانگی داده شده است به سه گروه پایین و متوسط و بالا تقسیم کنیم ملاحظه می‌شود که با این‌که بیشتر از ۵۰ درصد افراد دارای جهت‌گیری عام‌گرایانه متوسط و یا زیاد هستند ولی میزان افراد دارای جهت‌گیری عام‌گرایانه کم نیز حدود ۴۳ درصد است. پس این ویژگی از قوت زیادی برخوردار نیست. این وضعیت در مورد بیگانگی اجتماعی به این صورت است که بیش از ۶۰ درصد افراد با میزان متوسطی از احساس بیگانگی اجتماعی مشخص می‌شوند و افراد دارای میزان زیاد احساس بیگانگی نیز حدود ۲۰ درصد است. یا این‌که آزمون آماری نشان‌دهنده این است که گویه‌هایی که

برای سنجش این دو ویژگی در پرسش‌نامه گنجانده شده‌اند از روایی قابل قبولی برخوردارند اما باید با این نتیجه با احتیاط بیشتری مواجه شد زیرا سنجش این ویژگی‌های روان‌شناختی کار آسانی نیست، حتی در مواردی که آزمون‌های آماری هم روایی گویه‌ها را نشان بدهد. جهت‌گیری عام‌گرایانه و احساس بیگانگی اجتماعی حالتی پویا داشته و حاصل تعامل مداوم و مستمر با محیط اجتماعی فرد است.

در سطحی بالاتر، یعنی در سطح روان‌شناسی اجتماعی نیز بررسی متغیر اعتماد اجتماعی نشان‌دهنده این است که موضوع ضعف مشارکت بیشتر مسئله اجتماعی-سیاسی است و به محیط سیاسی افراد یا دانشجویان ارتباط پیدا می‌کند و به جنبه‌های شخصیتی کمتر ارتباط پیدا می‌کند. نتایج نشان‌دهنده این است که میزان اعتماد بین افراد بسیار بیشتر از اعتماد نهادی است. اگر میزان اعتماد بین افراد و میزان اعتماد نهادی را به سه دسته کم، متوسط و زیاد تقسیم کنیم ملاحظه می‌شود در حالی که میزان اعتماد بین افراد در طبقه کم، زیر ۳۰ درصد است این رقم برای اعتماد نهادی به ۴۸ درصد می‌رسد. همچنین در حالی که میزان اعتماد میان افراد در طبقه متوسط و زیاد به ۶۱ درصد می‌رسد در مقوله اعتماد نهادی این رقم به ۵۱ درصد است. در مجموع میزان اعتمادی که در میان خود افراد وجود دارد بیشتر از میزان اعتمادی است که دانشجویان به مسئولان دانشگاه دارند. به نظر افراد مورد پرسش در این تحقیق آمادگی مسئولان دانشگاه برای پذیرش نظرات و پیشنهادات دانشجویان کم است و غالب آن‌ها صداقت و تعهد کافی از خود نشان نمی‌دهند، به طوری که می‌توان گفت انتقاد از مسئولان دانشگاه تا حدود زیادی همراه با ترس و نگرانی و احساس عدم امنیت است.

این نتیجه‌گیری در مورد متغیر کنترل هم دیده می‌شود. همان‌طور که قبلاً گفته شده است موقعیت کنترل به معنی این است که افراد تا چه اندازه اعتقاد دارند کنش‌ها و رفتارهایشان (مثلاً، مشارکت در نهادهای دانشجویی) برای رسیدن به اهداف مطلوب مؤثر است. این متغیر برآمده از مباحث نظری و به‌طور مشخص نظریه انتظار ارزش از آیزن و فیشبین است که مطابق با آن افراد در صورتی به رفتاری رغبت نشان می‌دهند که اولاً اعتماد داشته باشند که آن رفتار به نتیجه مطلوب منجر خواهد شد و ثانیاً نتیجه حاصل ارزشمند است. حال براساس نتایج مشاهده می‌شود در حالی که به‌طور کلی متغیر موقعیت کنترل نشان‌دهنده وضعیتی مبهم است به صورتی که ۴۷ درصد از نظر پاسخ به این متغیر در طبقه متوسط قرار می‌گیرند، ولی وقتی چهار پرسشی را که این متغیر براساس آن‌ها جمع‌بندی شده است به‌طور مجزا مورد توجه قرار دهیم نکته جالبی مشهود می‌شود. آن نکته این است که وقتی از افراد پرسیده شده است تا چه اندازه خود را فردی موفق می‌دانید بیشتر از ۵۰ درصد گفته‌اند متوسط و حدود ۳۵ درصد نیز پاسخ

داده‌اند زیاد یا خیلی زیاد. پاسخ‌های خیلی کم یا کم کمتر از ۱۰ درصد است. همین‌طور است نتیجه پاسخ‌ها به سؤال «تا چه اندازه به مسیر زندگی خود تسلط دارید؟» در این مورد هم پاسخ‌های متوسط ۴۳ درصد و پاسخ‌های زیاد و خیلی زیاد بیش از ۴۰ درصد است. پاسخ به سؤال «تا چه اندازه احساس خوداتکایی و خوداستقلالی می‌نمایید» نیز همین وضعیت را دارد. اما پاسخ به سؤال «تا چه اندازه فکر می‌کنید می‌توانید با عمل خود بر دیگران تأثیر بگذارید؟» بسیار متفاوت است. در این مورد حدود ۴۳ درصد پاسخ داده‌اند خیلی کم یا کم و آن‌ها که گفته‌اند زیاد یا خیلی زیاد حدود ۲۰ درصد است. حال اگر دقت کنیم به این‌که سه پرسش اول ارزیابی از احساس خود اثربخشی فرد هستند و بیشتر مربوط به جنبه‌های شخصی و توفیق فرد در زندگی فردی دارند ولی پرسش آخر به اثرگذاری بر دیگران ربط پیدا می‌کند نکته مذکور روشن‌تر می‌شود در سه پرسش اول نقش فرد بیشتر است و نقش عوامل و متغیرهای محیطی کمتر اما در پرسش آخر برعکس نقش فرد ضعیف‌تر و نقش عوامل و متغیرهای دیگر (مثلاً افراد دیگری که در تشکل‌ها عضویت دارند یا نگاه مدیریت دانشگاهی به تشکل‌ها) قوی‌تر است. بر این اساس می‌توان گفت وجه اجتماعی در میزان و چگونگی مشارکت غالب است و اگر برگردیم به نظریه انتظار ارزش می‌توان گفت، این‌که ارزش فعالیت مشارکتی و نتیجه‌ای که از مشارکت حاصل می‌شود از جنبه شناختی مورد وثوق دانشجویان است ولی دانشجویان بر این عقیده که با تشکل‌های موجود فعالیت مشارکتی به اهداف مطلوب منجر بشود اتفاق ندارند. به عبارت دیگر، با این‌که روحیه مشارکتی و اعتماد بین فردی نسبتاً بالاست ولی عضویت عملی و فعالیت مشارکتی ضعیف و اعتماد نهادی نیز بالا نیست و این وضعیت یعنی این‌که مشارکت عملی ارزشمند دانسته می‌شود ولی بسترهای عملی کردن آن‌ها مهیا محسوب نمی‌شود.

در کل، نتایج نشان می‌دهد که میزان و کیفیت مشارکت در نهادهای مشارکتی دانشجویی و تشکل‌هایی مثل انجمن اسلامی، بسیج دانشجویی، کانون‌های فرهنگی، هسته‌های علمی، گروه‌های ادبی و هنری و تیم‌های ورزشی و تفریحی بالا نیست.

ترکیبی از عوامل فردی و اجتماعی در قالب مدل نظری برآمده از نظریه‌های تبیین رفتار مشارکتی (مثل نظریه آیزن و فیشبین و نظریه رابرت دال) این نتیجه را تبیین می‌کنند. مفهوم مشارکت از جنبه ذهنی و شناختی برای نمونه دانشجویان مورد بررسی در این مطالعه شناخته شده و ارزش و اهمیت آن بالاست. روحیه مشارکتی به معنی تمایل به مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویی، مهم دانستن عضویت در تشکل‌های دانشجویی، و اهمیت نظری مشارکت دانشجویان در اداره بهتر دانشگاه و عدم مغایرت مشارکت دانشجویی با وظایف مدیریتی دانشگاه بالاست. اعتماد میان دانشجویان به صورت و معانی گوناگون نسبتاً بالاست،

یعنی آن‌ها ابراز می‌دارند می‌توانند به یکدیگر اعتماد نمایند. صداقت و راستگویی میان آن‌ها زیاد است. به اهمیت ارزش قول و قرار، امانت‌داری و کمک و همیاری و وجود این صفات در میان دانشجویان عقیده دارند و به عکس وجود صفاتی مثل دورویی و تظاهر، تملق و چاپلوسی، تقلب و زرنگی و همدیگر را تحت نظر داشتن در میان دانشجویان را غالباً نفی می‌کنند.

با وجود همه آن‌چه گفته شد، میزان عملی مشارکت در نهادهای دانشجویی ضعیف می‌باشد. ویژگی شخصیتی عام‌گرایی در میان افراد مورد مطالعه حداکثر متوسط است. بیگانگی اجتماعی نیز نسبتاً زیاد است. همچنین در افراد مورد بررسی ویژگی موقعیت کنترل و اعتقاد افراد به این‌که بتوانند با رفتار خود تغییری در دیگران و در محیط خود ایجاد نمایند در سطح پایینی قرار دارد. به طوری‌که می‌توان گفت وجود ویژگی‌های عام‌گرایانه موقعیت کنترل، آینده‌گرایی و عدم بیگانگی اجتماعی به اندازه‌ای نیست که مؤید و پشتیبان مشارکت عملی دانشجویان در نهادهای مشارکتی باشد. علاوه بر این، با توجه به ضرایب تعیین (R2) محاسبه شده درخصوص سه معادله رگرسیونی مطرح شده که در سطح نسبتاً پایین قرار دارد به نظر می‌رسد که برای تبیین مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان باید مبین‌های دیگری نیز وارد معادله شوند. و سطح تحلیل را باید فراتر از سطح خرد و میانی برد و متغیرهای کلان تأثیرگذار بر فرایند مشارکت را نیز، که معمولاً در خارج از مجموعه دانشگاه قرار می‌گیرند، مورد توجه قرار داد.

منابع

- اوکلی، پیترو و دیوید مارسدن (۱۳۷۰) *رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی*، ترجمه منصور محمودنژاد، تهران، جهاد سازندگی.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶) *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان.
- دال، رابرت (۱۳۶۴) *تجزیه و تحلیل جدید سیاست*، ترجمه حسین ظفریان، تهران، ظفریان.
- دشتی، عبدالله (۱۳۷۶) «دیالکتیک انطباط و خودجوشی، نقش نظریه انقلابی ساندیست‌ها در فرهنگ سیاسی و مشارکت مردمی»، فصلنامه فرهنگ، شماره ۲۳، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۲) *سنجش‌گرایی روستاییان نسبت به جهاد سازندگی*، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی و وزارت جهاد سازندگی.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۷۳) «توسعه عقب‌افتادگی زنان در ایران». *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، شماره اول.
- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۰) *مشارکت در مالکیت و مدیریت*، تهران. مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۷۹) *بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها*، تهران، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری.

غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰) *تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی-اقتصادی سازمان‌یافته روستاییان* (پایان‌نامه دکتری)، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۶) *بررسی راه‌های جلب مشارکت مردمی در برنامه‌های توسعه پایدار کشاورزی در روستاهای منطقه گرمسار*، تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
مردوخی، بایزید (۱۳۷۳) «مشارکت مردم در فرایند توسعه و طرحی برای سنجش میزان آن»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۶، تهران، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
هانتینگتون و نلسون (۱۳۷۶) *درک توسعه سیاسی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.

- Colin, Ronald (1986) "The Institutionalization of Participation in Development" in: *Participation and Development*. Paris: Unesco.
- Gotri, Huynh. (1986) "Popular Participation in Development" in: *Participation in Development*. Paris. Unesco.
- Kelly, Carolin and Sara Brenlinger (1996) *The Social Psychology of Collective Action*, London: Taylor and Francis.
- Lerner, Daniel (1958). *The Passing of Traditional Society, Modernizing The Middle East*. New York. Free Press.
- Molinas, Jose (1998) "The Impact of Inequality on Gender. External assistance and social capital on local-level cooperation". *World Development*. Vol 26, no. 6 (413-431).
- Oakley, Peter et al (1999) "Projects With People, the practice of participation in rural development". Geneva: ILO.
- Patton, Pamela (1999) Is social capital declining in the United States? A Multiple indicator Assessment, *American Journal Sociological*. Vol. 105. No. 1, 88-127.
- Rahman, Mdanisnr (1993). *People's Self-development*. London: Zed books.

علیرضا دهقان، عضو هیئت علمی گروه ارتباطات دانشگاه تهران است. حوزه فعالیت وی جامعه‌شناسی ارتباطات و علوم ارتباطات است. dehgan@ut.ac.ir

غلامرضا غفاری، عضو هیئت علمی گروه برنامه‌ریزی دانشگاه تهران است. وی صاحب تألیفاتی در زمینه جامعه‌شناسی توسعه، جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی، جامعه‌شناسی نسل‌ها و اعتماد اجتماعی است. ghaffary@ut.ac.ir